

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۲/۱۳

سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم

فرزاد جهان بین^{۱*}
اعظم امامی^۲

۱. استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، قزوین، ایران.

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، قزوین، ایران.

چکیده

با حاکم شدن گفتمان نرم بر محیط امنیتی نظام جهانی، اولاً ماهیت مفاهیمی چون قدرت، تهدید و امنیت و نحوه ارتباط میان آن‌ها در حال دگرگونی است و ثانیاً مشارکت، اعتماد و وفاداری مردم به دولت و در یک کلام سرمایه اجتماعی نقشی مهم در تأمین امنیت ملی و مقابله با تهدیدات امنیتی و نیز افزایش میزان قدرتمندی کشورها یافته است. در این دیدگاه میزان امنیت و قدرت ماهیتی متفاوت و معطوف به مردم دارد. از همین رو سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان حلقه اتصال بین سه مؤلفه قدرت، امنیت و تهدید در گفتمان نرم‌افزاری قرار گیرد. در همین راستا سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: چگونه می‌توان میان سه مؤلفه قدرت، تهدید و امنیت نرم ارتباط برقرار نمود؟ در پاسخ به سؤال، الگوی ارتباطی بین سه مؤلفه طراحی شده است. به نظر می‌رسد در گام اول بتوان با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی به‌مثابه منبع مشترک هر سه مفهوم، و در گام دوم با شاخص‌سازی مناسب برای سرمایه اجتماعی، نوعی ارتباط نرم بین این واژگان برقرار نمود. این نحوه‌ی ارتباط به‌خصوص در مقطع انتخابات می‌تواند کارآمد باشد. روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری مطالب از طریق مطالعه کتابخانه‌ای اسنادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، تهدید نرم، امنیت نرم، سرمایه اجتماعی، ثبات سیاسی.

رواج گفتمان نرم در مطالعات سیاسی و امنیتی، گویای آن است که ماهیت مفاهیمی چون قدرت، تهدید و امنیت و نحوه‌ی ارتباط میان آن‌ها در حال دگرگونی است. به گونه‌ای که توانمندی برتر نظامی و اقتصادی نمی‌تواند در افزایش ضریب تدافعی (امنیت نرم) و توانشی (قدرت نرم) در مقابله با تهدیدات نرم کارآمد باشد. درحالی‌که در گفتمان سخت‌افزاری، قدرت را می‌توان به معنای توانایی دارنده‌ی آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکل دانست، در گفتمان نرم‌افزاری، قدرت نرم متکی بر توان شکل‌دهی بر ترجیحات دیگران، از طریق جذابیت است. همچنین، امنیت سخت با تکیه بر گفتمان سلبی به معنای نوعی اطمینان و احساس ایمن بودن از خطرات و تهدیدات عینی و ادراکی است. و امنیت نرم با تکیه بر گفتمان ایجابی، به معنای وجود تعادل بین خواسته‌ها و داشته‌ها است. و نیز تهدید سخت، به معنای ترس از به مخاطره افتادن وضعیت امن فعلی افراد جامعه و نظام سیاسی است. تهدید نرم به معنای تردید در مبانی، زیرساخت‌های یک نظام سیاسی، بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه و بحران در الگوهای رفتاری جامعه است. در نگاه مکتب رئالیسم، رابطه سنتی میان قدرت و امنیت، به معنای آن است که هدف از کسب قدرت بیشتر دستیابی به امنیت بیشتر بود. اما در نگاه گفتمان نرم‌افزاری، این رابطه به گونه‌ای دیگر است. نگارندگان در جهت فهم این نوع ارتباط که هدف غایی این پژوهش محسوب می‌شود از مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان منبع مشترک این مفاهیم در حکم پل ارتباطی استفاده می‌کنند.

۱. مبانی مفهومی

از آنجاکه در تحلیل‌های علمی، شناخت مفاهیم اصلی و هم‌افق شدن در باب معانی و شناسایی متغیرهای اصلی و فرعی و چارچوب نظری اهمیت زیادی در روایی پژوهش و نتیجه بخشی آن دارد، در این قسمت پس از تعریف مفاهیم اساسی، چارچوب نظری برای تحلیل ارتباط سه مؤلفه اصلی مقاله ارائه می‌گردد.

۱-۱. قدرت نرم

رواج گفتمان نرم، در مطالعات سیاسی و امنیتی دهه پایانی قرن بیستم، افق جدیدی در فهم و تبیین مسائل اجتماعی و راهبردی به وجود آورده است. اتصال این صفت به موصوفاتی چون قدرت، تمام خصوصیات آن‌ها از جمله ماهیت، اهداف، ابزار، فرآیند

تولید، ویژگی و منابع را دستخوش تغییر و تحول نموده است. به گونه‌ای که امروزه تعابیر سنتی از این مفاهیم در برخورد با گفتمان نرم‌افزاری، در حکم تعابیری ناکارآمد توان فهم و تبیین تحولات را ندارند. در جامع‌ترین تعریفی که از قدرت نرم توسط ژوزف نای ارائه شده، قدرت نرم چنین تعریف شده است: «قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به اولویت‌ها و ترجیحات دیگران با تکیه بر عنصر اقناع‌سازی از طریق به‌کارگیری عنصر جذابیت.» (نای، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۳) این تعریف دارای دو کلیدواژه اساسی است. اول آنکه، قدرت نرم برخلاف قدرت سخت تنها به دنبال تغییر ساده رفتار افراد نیست، بلکه به دنبال تحمیل ارزش‌ها، آرمان‌ها، ترجیحات و اولویت‌های خود می‌باشد. براین اساس قدرت نرم به ابعادی از قدرت توجه دارد که ضمن برخورداری از ماهیتی غیر خشن و نامحسوس بر مؤلفه‌هایی چون فرهنگ، هویت، مذهب و .. تکیه دارد و از ابزارهایی چون رسانه، هنر، ادبیات، علم و ... بهره می‌گیرد. (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۰: ۹۷)

۲-۱. تهدید نرم

تهدید نرم عموماً در مقابل تهدید سخت قرار می‌گیرد و اساساً موصوف نرم تغییرات مهمی را در عناصر اصلی تهدید به‌جای می‌گذارد که در گذر زمان ایجاد شده است. به‌طور مثال در تهدید نرم، ابزار تهدید از سخت به نرم تغییر می‌یابد و نیز عنصر هدف و قلمرو تهدید از سخت به نرم جابجا می‌شود. به‌عبارت‌دیگر تغییر و تحول در ماهیت هدف، ماهیت و جنس تهدید را تعیین کرده و آن را به دودسته تهدید نرم یا سخت تبدیل می‌کند. (ذوالفقاری، عصاریان نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۲) در تهدید نرم عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که، ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید فهم و درک نماید. به عبارتی تهدید در هر بعد و شکل یک هدف اساسی را دنبال می‌کند و آن عبارت است از «تحمیل اراده بر حریف و انجام رفتار مطلوب و موردنظر تهدیدکننده.» یک بخش تأثیرگذاری بر افکار از طریق الگو پردازی است و بخش دیگر آن را باورسازی و مسخ الگوهای رایج تشکیل می‌دهد. (گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۰۱) بنابراین می‌توان گفت که تهدید نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای رفتارهای نظام حاکم تعارض داشته باشد.

۳-۱. امنیت نرم

هرچند در مورد امنیت نرم، تعریف خاصی وجود ندارد باین وجود جامع‌ترین تعریف موجود از امنیت نرم که منطبق با اهداف این پژوهش می‌باشد متعلق به افتخاری است. وی با تقسیم‌بندی امنیت در دو گفتمان سلبی و ایجابی، امنیت نرم را مربوط به گفتمان ایجابی دانسته و در تعریف گفتمان سلبی امنیت می‌نویسد:

«گفتمان سلبی امنیت (Negative Security Discourse): در این گفتمان، امنیت بر وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، یا نسبت به منافع بازیگر تهدیدی از سوی بازیگران وجود نداشته باشد؛ یا در صورت وجود تهدید، امکان مدیریت آن برای بازیگر حاصل باشد. امنیت در این گفتمان بر مفاهیم «تهدید» و «دیگران» استوار است. وجه اطلاق وصف سلبی برای این گفتمان، اشتراک تمامی تعاریف این گفتمان بر نبود تهدید است.» وی در تعریف گفتمان ایجابی امنیت نیز می‌نویسد: «گفتمان ایجابی امنیت (Positive Security Discourse): در این گفتمان صرفاً نبود تهدید معیار تعریف امنیت نبوده، از آن به شرط لازم و نه شرط کافی تعبیر می‌شود. عامل اصلی در تحقق امنیت، عنصر رضایت است که در تعریف امنیت ایجابی دخالت نموده، می‌توان آن را چنین تعریف کرد: امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها- از یکسو- و داشته‌ها، از سوی دیگر، نسبتی متعادل وجود دارد؛ به گونه‌ای که در چارچوب سرمایه اجتماعی، نوعی رضایت را نزد بازیگران تولید می‌نماید چنان‌که ملاحظه می‌شود امنیت در این گفتمان به رضایت و نه قدرت تقلیل می‌یابد.» (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۹-۱۴) با عنایت به تعریفی که از امنیت نرم ارائه شد، می‌توان امنیت نرم افزارانه را در حفظ ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی دانست که بر گفتمان ایجابی امنیت تطابق دارد.

۴-۱. سرمایه اجتماعی

این اصطلاح اولین بار توسط پیر بوردیو، در زمینه‌ای اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت. باین حال، اولین نظریه‌ها به‌طور جدی و علمی توسط کلمن و پاتنام ارائه شده است. این دو از طراحان اصلی سرمایه اجتماعی هستند. به عقیده پاتنام سرمایه اجتماعی «وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند.» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵) وی شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را چهار مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. سرمایه اجتماعی موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت

منافع متقابل را تأمین کرده و باعث توسعه سیاسی و اجتماعی می‌گردد. با عنایت به این تعریف سه مؤلفه اعتماد، هنجارها و ارزشها و ارتباطات متقابل انسانی عناصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. فاین بن نیز منظور از سرمایه اجتماعی را انسجام درونی فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فیما بین مردم و نهادهایی می‌داند که این هنجارها و ارزش‌ها در آن تعبیه می‌شوند. (فاین، ۱۳۸۵: ۲۸۵) فوکویاما نیز هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی را حاصل تکرار همکاری میان مردم می‌داند: (فوکویاما به نقل از تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۷۰) این سرمایه موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مختلف می‌گردد. (کاووسی، طلوعی اشلقی، ۱۳۸۶: ۱۵) جان فیلد سرمایه اجتماعی را در دو کلمه خلاصه می‌کند و در این خصوص می‌نویسد: «روابط مهمند» مردم با برقراری روابط و پایدار کردن آن در طول زمان، می‌توانند اهدافی را به دست آورند که هرگز به تنهایی قادر به دستیابی به آن نبودند. مردم از طریق یک سری شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند ارزش‌های مشترکی را با دیگر اعضا به اشتراک بگذارند. این شبکه‌ها به عنوان منبعی در نظر گرفته می‌شوند که نوعی سرمایه ایجاد می‌کنند. سرمایه اجتماعی، تنها در یک شبکه اجتماعی می‌تواند تولید شود و حیات داشته باشد. (فیلد، ۱۳۸۵: ۱)

۵-۱. ثبات سیاسی

ثبات سیاسی عبارتست از فقدان نسبی برخی از انواع حوادث سیاسی بی ثبات کننده که خواه به صورت تغییر در ساختار قدرت در رژیم سیاسی و تغییر در حکومت، خواه به صورت مسالمت آمیز و خواه به صورت خشونت آمیز، به چالش با قدرت سیاسی موجود با خود ساختار اقتدار سیاسی می‌انجامد. بنابراین منظور از ثبات سیاسی، مفهومی فراتراز پایداری حکومت‌ها می‌باشد و عبارتست از مورد تهدید قرار نگرفتن نظام سیاسی یک کشور که در این تعریف تداوم حکومت‌ها نیز جای می‌گیرد. (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱)

۲. چارچوب نظری

به واسطه نو پدید بودن این واژگان در ادبیات علم سیاست، نظریه پردازی پیرامون آن‌ها، مراحل جنینی خود را گذرانده و تا کنون هیچ نظریه جامع و مانعی که دارای چهارچوبی مستدل و قابل اطمینان برای تبیین این پدیده‌ها باشد، ارائه نگشته است. با این حال در بیان نسبت میان سه مفهوم متقارن و نزدیک به یکدیگر «امنیت نرم»، «قدرت نرم» و «تهدید نرم» صاحب نظران حوزه امنیت دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. این دیدگاه‌ها در دو

دسته کلی قابل تقسیم بندی هستند:

۱-۲. امنیت نرم و تهدید نرم به مثابه مشتقات قدرت نرم

گروهی امنیت نرم، را به مثابه مفهومی وابسته به قدرت نرم و یا مشتق از آن مورد بررسی قرار می‌دهند. (پوراحمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۱) به عقیده این صاحب‌نظران؛ به‌طورکلی امنیت، ملموس‌ترین و اصلی‌ترین بعد و تبلور قدرت است. هر بازیگری در عرصه ملی و بین‌المللی در جستجوی قدرت بیشتر برای دستیابی به امنیت بیشتر است. بنابراین قدرت نرم ناظر بر توانمندی‌های یک کشور در حوزه نرم است و امنیت نرم وضعیتی ناشی از تبلور قدرت نرم واحدهای سیاسی است که در آن امکان توسعه همه‌جانبه فراهم می‌گردد. (نصری، ۱۳۸۰: ۳۴) قدرت نرم و امنیت نرم در عین حال با یکدیگر دارای رابطه‌ای طرفینی هستند و هر دو همدیگر را تقویت و در صورت ضعف، همدیگر را تضعیف می‌نمایند. این سطح از وابستگی بین مفهوم امنیت نرم با مفاهیمی چون قدرت نرم و تهدید نرم به منزله نوعی غفلت از مفهوم امنیت نرم و توسعه نیافتگی آن در مطالعات امنیتی می‌باشد. یکی از دلایل این غفلت وجود دامنه مشترک بین مفهوم امنیت و مفهوم قدرت است. به نظر می‌رسد در دوره جنگ سرد، دولت‌ها اسپرکشمکش قدرت بودند و امنیت از مشتقات قدرت به ویژه قدرت نظامی تلقی می‌شد و در گستره عمومی چندان معنای مستقلی نداشت و به عنوان مفهومی جداگانه، مطالعه نمی‌شد.

آنچه روشن است این که در مطالعات امنیتی دو دهه اخیر، نرم سازی هر سه مقوله تهدید، امنیت، قدرت رشد کرده است لیکن چندان روشن نیست که آیا این سه مقوله می‌توانند به همراه هم، بسته منسجمی را تولید کنند یا نه؟ بدین معنی که آیا مفهوم نرم در تهدید، همان معنا را در قدرت و امنیت دارد یا اینکه ممکن است میان این‌ها تمایزاتی وجود داشته باشد. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۶) به نظر می‌رسد که این مفاهیم از هم متمایزند اما با هم رابطه دارند. ولی باید توجه داشت این بدان معنا نیست که امنیت نرم صرفاً حاصل این مقوله‌ها است بلکه گاه این نوع امنیت حتی می‌تواند برخاسته از قدرت سخت باشد.

۲-۲. قدرت نرم، امنیت نرم و تهدید نرم به مثابه کارکردهای سرمایه اجتماعی

در دیدگاهی دیگر، سرمایه اجتماعی، به مثابه سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که در اندیشه نظریه پردازانی نظیر کلمن و پوتنام بیان شده است. سرمایه اجتماعی در سطح کلان، بیانگر توصیف ویژگی‌های جامعه یا گروهی از اجتماع است که توانایی سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را

افزایش میدهد. در موارد زیادی، سرمایه اجتماعی ضعفهای دولت، را جبران کرده و به میزان بالایی از ثبات میرساند. منابع سرمایه اجتماعی اشتراکات زیادی با مؤلفه‌های امنیت هرکشور دارند که از سویی به صورت مستقیم و از سویی دیگر، به صورت غیرمستقیم (اعتمادسازی) زمینه را برای گامهای بعدی در مسیر پیشرفت میسر می سازند. (نک. حیدری، ۱۳۸۹) سرمایه اجتماعی یا مؤلفه‌های آن، همچون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، تسهیل کننده کنش و افزایش همکاری جمعی برای نفعهای چندجانبه است. اعتماد سیاسی و مشروعیت، سبب افزایش حمایت شهروندان از سیاستها یا اعمال و عملکرد آنها طبق قانون میشود. شبکه‌های مشارکتی، موجب غنای سرمایه اجتماعی و تعمیق آن میشوند و سرمایه اجتماعی، تقویت باورمندی درونی متکی بر روحیه جمعی را به دنبال دارد که ثمره آن، جلوگیری از ذره گونه شدن افراد است. (نک. افتخاری، ۱۳۸۷ الف، بخش چهارم)

به طور کلی این رویکرد به دو جهت، می تواند چارچوب نظری مناسبی برای این مقاله در نظر گرفته شود. اول آنکه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و منابع سازنده قدرت نرم و امنیت اشتراکاتی دیده می شود که می تواند بین این مفاهیم، رابطه‌ای نرم افزارانه برقرار کند. و دوم آنکه با اهمیت یافتن منابع نرم افزاری قدرت و امنیت، سرمایه اجتماعی هر جامعه‌ای نخستین نقش را در تأمین امنیت و قدرت دارد. طراحی انقلاب‌های رنگی و ایجاد بحران‌های امنیتی، بر مبنای سرمایه اجتماعی در کشورهای پسا کومونیستی در طی سه دهه اخیر، خود گویای همین امر است که کارآمدی سرمایه اجتماعی، مهم‌ترین منبع تضمین امنیت نرم و قدرت نرم است. و از طرف دیگر فقدان یا ضعف آن، منبع شکل گیری تهدیدات نرم افزاری است. بی ثباتی سیاسی نتیجه نهایی این فرآیند است که در مواقعی نظیر انتخابات می تواند به خوبی نمایان شود. فرآیند برگزاری انتخابات به جهت آنکه می تواند هنجارهای موجود را تقویت یا تخریب نماید و ارتباطات نوینی را شکل دهد و همچنین سلامت یا عدم سلامت برگزاری انتخابات، اعتماد عمومی جامعه را دگرگون می کند، فرصت مناسبی برای تشکیل و تخریب سرمایه اجتماعی محسوب می شود. بررسی شکل گیری این فرآیندها، موضوعی است که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

۳. ادبیات پژوهش

محققان در مطالعات خود هیچ نوع منبعی که به صورت مستقیم به موضوع این مقاله یعنی؛ برقراری ارتباط بین سه مؤلفه مزبور، از طریق سرمایه اجتماعی باشد ملاحظه ننموده است. با این حال آثار زیادی اعم از کتاب و مقاله در خصوص این سه مؤلفه وجود دارد که می‌توان به برخی از مهم‌ترین آن‌ها به تفکیک موضوعی یعنی؛ قدرت نرم، تهدید نرم و امنیت نرم اشاره کرد.

۳-۱. منابع مرتبط با مفهوم قدرت نرم

مهم‌ترین اثر در این زمینه متعلق به جوزف نای است که با عنوان قدرت نرم به صورت مقاله و کتاب منتشر شده است (نای، ۱۳۸۷). از دیگر آثار مهم در باب قدرت نرم می‌توان کتاب قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷) را نام برد. موضوع اصلی این کتاب قدرت نرم و امنیت است. که فرهنگ بسیج و قدرت نرم، قدرت بسیج و امنیت نرم، دانش بسیج و تولید قدرت نرم و الگوی بسیج در فضای فرهنگی مهم‌ترین موضوعات آنست. مباحث کتاب جهت تبیین قدرت نرم و امنیت نرم بر موضوع فرهنگ تمرکز یافته و موضوع سرمایه اجتماعی در آن بحث نشده است.

از دیگر آثار مهم، کتاب قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷ الف) می‌باشد. این کتاب در برگیرنده مجموعه مقالات همایش ملی بسیج و قدرت نرم است که در زمستان ۱۳۸۶ تدوین شده است که به مفهوم قدرت نرم و سرمایه اجتماعی نیز پرداخته شده است. این مجلد بیشتر در قدرت نرم متمرکز است. گونه شناسی قدرت نرم، نگاهی انتقادی به قدرت نرم، حوزه‌های کاربرد قدرت نرم، بنیاد معرفتی قدرت نرم، گفتمان اسلامی قدرت نرم، بررسی مقایسه‌ای قدرت نرم در گفتمان اسلامی و گفتمان لیبرال دمکراسی و بحثهای مربوط به سرمایه اجتماعی در این مجلد مطرح گردیده است. برخی از مقالات این کتاب، جهت بحث حاضر مفید بوده و تا اندازه‌ای به بحث حاضر مربوط می‌باشد، اما نگاه نظام مند به رابطه حوزه‌های مذکور که مقاله حاضر در پی آن است از جمله کاستیها می‌باشد که ضرورت پژوهشی اساسی در این زمینه را فراهم می‌نماید.

۳-۲. منابع مرتبط با تهدید نرم

تهدید نرم بر خلاف قدرت نرم، بیش از آنکه مفهومی وارداتی باشد، بر اساس ضرورت‌های کشورمان و بیشتر در ادبیات استراتژیک آن ساخته و پرداخته شده است. در

این زمینه کتاب «تهدید نرم؛ رویکردی اسلامی» (افتخاری، ۱۳۹۱) اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع موجود می‌باشد. مؤلف در این کتاب با رویکردی انتقادی به نظریات رایج به ارائه نظریه اسلامی از تهدید نرم پرداخته است. کتاب تهدید نرم و راهبردهای مقابله (گروه مطالعات امنیتی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸) منبع مهم دیگری می‌باشد که به بررسی تهدید نرم و شیوه‌های اعمال آن، شاخص‌ها و ابعاد آن در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و جایگاه آن در نظریه‌های دفاعی و امنیتی پرداخته است. کتاب کالبد شکافی تهدید (افتخاری، ۱۳۸۵) به شکلی عمیق به تهدیدات و از آن جمله تهدیدات نرم و کیفیت سیر آن از مرحله اجتماعی به امنیتی پرداخته است. متون موجود درباره تهدید نرم بر خلاف قدرت نرم، از نظر علمی، فقر بیشتری دارد، به طوریکه علاوه بر دارا بودن نقایص مربوط به متون قدرت نرم، حتی در ارائه تعریف از این واژه، هنوز مرز مشخصی بین تهدید نرم و سایر واژگان نرم افزاری وجود ندارد.

۳-۳. منابع مرتبط با امنیت نرم

امنیت نرم از جمله نظریاتی است که حجم بسیار کمی از مطالب را به خود اختصاص داده است. از جمله این آثار محدود می‌توان به کتاب «نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا و امنیت در جهان سوم» (کیوان حسینی، ۱۳۸۱) اشاره کرد. این نوشته در پی اثبات آن است که اصول نرم‌افزارگرایی همواره از بدو شکل‌گیری جامعه آمریکا، زمینه‌های هویت بخشی به این کشور را فراهم آورده‌اند. این اصول مفهوم اتکا بر قدرت نرم، رهبری و هژمونی خیرخواه را در برمی‌گیرد. کتاب دیگر، «مفهوم امنیت ملی بعد از جنگ سرد با تکیه بر کشورهای جنوب ۱۹۹۱-۲۰۰۰» (سلوکانه، ۱۳۸۱) می‌باشد. این نوشته تبیین و تفسیر پایان جنگ سرد و تأثیر آن بر مفهوم امنیت ملی کشورهای جنوب و تغییر ماهیت تهدیدات از سخت‌افزاری به نرم‌افزاری را دنبال کرده است. نویسنده بر آن است که پایان جنگ سرد موجب تغییر ماهیت تهدیدات کشورهای مرکز علیه کشورهای جنوب از سخت‌افزاری به نرم‌افزاری شده است. «طراحی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تأمین امنیت ملی ج. ا. ا» (کلاهیچیان، ۱۳۸۷) از جمله منابع درخور توجهی می‌باشد که در این زمینه تالیف شده است. محقق در چارچوب این پژوهش در پی دستیابی به الگویی برای بسیج منابع قدرت نرم برای تأمین امنیت است. نتیجه این پژوهش ارائه الگویی سه وجهی مبتنی بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد برای کاربرد منابع قدرت نرم ج. ا. ا است.

پژوهشی درباره امنیت نرم، (عبداله خانی، ۱۳۸۹) نوشته دیگری در این باره است. این نوشته در بر گیرنده اصول مباحث و ادبیات امنیت نرم است. کتاب یاد شده تا زمان انجام

این پژوهش تنها منبع مستقیم مربوط به امنیت نرم در زبان فارسی است که چاپ و منتشر شده است.

علاوه بر آن آثار مجموعه مقالاتی همچون، چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم؛ با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران (غرایاق زندگی، ۱۳۸۸) و مقاله امنیت نرم و چرایی اهمیت آن (یزدان فام، ۱۳۸۸) به بررسی چیستی و ابعاد و وجوه امنیت نرم می‌پردازد. در این آثار با اشاره به علل و عوامل موجد آفرینش واژه امنیت نرم؛ ابعاد، اهداف، ابزار و نتایج آن تشریح گردیده است. مقالات این کتاب، از جمله آثار مهم در حوزه امنیت نرم است که تا حد زیادی در شناخت ماهیت امنیت نرم کارایی دارد.

۳-۴. منابع مرتبط با سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از جمله نظریاتی است که از ادبیات نسبتاً غنی برخوردار می‌باشد. در حوزه تبیین رویکردها، مفاهیم و نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی، کتاب سرمایه اجتماعی (فیلد، ۱۳۸۶) کتاب نسبتاً جامعی می‌باشد که بحث عمده آن شناخت سرمایه اجتماعی و ارائه پیشنهادهایی جهت گسترش آن در آینده می‌باشد. این کتاب با بررسی نسبتاً گسترده نظریات بوردیو، کلمن، پاتنام که آثارشان بر مفهوم سرمایه اجتماعی افزوده است، آغاز می‌گردد. و هر سه بر قدرت شبکه‌ها تأکید دارند. کتاب سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه) (تاجبخش، ۱۳۸۴) نیز در بردارنده ۱۹ مقاله است که در موضوع اعتماد، دموکراسی و توسعه با نگاه ویژه به مقوله سرمایه اجتماعی، گرد آوری، ترجمع و تألیف شده است که ضمن آشنایی با مفهوم و نظریه‌های سرمایه اجتماعی، روش سنجش سرمایه اجتماعی، انتقادات و کاربردهای آن آمده است. بخش نخست کتاب دارای رویکرد نظری و بخش دوم دارای رویکرد انتقادی می‌باشد.

«بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و امنیت ملی» (حیدری، ۱۳۸۹) عنوان پایان نامه‌ای است که در آن مؤلف به دنبال شناخت اثرگذاری سرمایه اجتماعی به عنوان موضوعات جدید حوزه ی سیاست بر امنیت ملی می‌باشد و در نهایت اثبات می‌نماید که فقدان سرمایه اجتماعی، تبعاتی نظیر بیگانگی سیاسی، تضعیف ارتباط و بحران‌های پنج‌گانه؛ هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع به وجود می‌آورد که می‌تواند امنیت ملی را به مخاطره بیندازد. این اثر، گرچه از امنیت نرم صحبتی به میان نیاورده؛ اما ناخودآگاه تأثیر سرمایه اجتماعی بر مؤلفه‌هایی از امنیت ملی را بررسی کرده که ماهیت نرم افزاری دارند و از این جهت منبع مفیدی در رابطه با بحث حاضر محسوب می‌شود.

تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت ملی (مقایسه ایران و ترکیه) (شریفی، ۱۳۹۲) پایان

نامه دیگری است که نگارنده در آن مدعی است: سرمایه اجتماعی می‌تواند به واسطه اثرگذاری بر عملکرد دولت، اقتصاد و... امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد. نقطه اصلی تمرکز این پژوهش، امنیت ملی است که مؤلفه‌های سخت و نرم را توأمان مد نظر قرار می‌دهد و از نقطه نظر این مقاله نمی‌تواند کارایی داشته باشد.

جامعه‌شناسی امنیت ملی با مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران (نصری، ۱۳۸۴) مقاله‌ای است که هدف آن تحلیل بنیادهای اجتماعی امنیت ملی است. از نظر مؤلف، اگر سرمایه اجتماعی در یک جامعه در معرض سقوط نباشد می‌توان از بنیادهای محکم و اجتماعی امنیت سخن گفت. در غیر این صورت جامعه به جای همبستگی، جانب گسیختگی را خواهد گرفت و منافع صنفی یا فردی بر منافع ملی مقدم خواهد شد. این مقاله علی‌رغم اثبات تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت، آن را در سطح ملی بررسی می‌نماید و از منظر این مقاله یعنی بعد نرم افزاری تهی می‌باشد.

فرآیند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه امام خمینی (عیوضی و امامی، ۱۳۹۰) مقاله دیگری است که در آن مراحل تبدیل شدن سرمایه اجتماعی به قدرت نرم در اندیشه امام خمینی مورد بررسی قرار می‌گیرد و از حیث فرآیندی، می‌تواند مورد توجه مقاله حاضر قرار گیرد.

در جمع بندی سوابق پژوهشی این نکته مهم خودنمایی می‌کند که تمامی صاحب نظران در مباحث خود بیشتر از منظری خاص به دنبال شناخت هر یک از سه واژه مطمح نظر این مقاله بوده‌اند. به عبارتی گرچه از مؤلفه‌های سه گانه قدرت، تهدید و امنیت در گفتمان نرم افزاری به شکلی توصیفی و مجزا سخن به میان آمده است. اما در خصوص نحوه ارتباط این مفاهیم با یکدیگر آن‌هم از طریق متغیر واسطی چون سرمایه اجتماعی، پژوهشی صورت نگرفته است. از این رو پیش‌بینی می‌شود این پژوهش بتواند با برقراری ارتباط بین سه مؤلفه قدرت، امنیت و تهدید نرم، رفع‌کننده این نقیصه باشد.

۴. شبکه قدرت، امنیت و سرمایه اجتماعی

قدرت، امنیت و تهدید در گفتمان نرم افزاری را می‌توان مفاهیم همبسته‌ای دانست که دارای اشتراکاتی از جمله در منابع هستند. مهم‌ترین کارکردهای امنیتی، سرمایه اجتماعی عبارتند از:

۴-۱. سرمایه اجتماعی به مثابه مؤلفه امنیت نرم

امنیت را می‌توان به دو قسم امنیت سلبی و ایجابی تقسیم کرد. در حالی که روایت‌های

سنتی از امنیت، بر محوریت سلطه قرار دارد و امنیت را به سان وضعیتی که در آن منابع بازیگر از تهدید دیگر بازیگران مصون است، می‌شناساند؛ شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به مثابه یک چارچوب فکری جدید، منجر می‌شود تا مرزهای معنایی امنیت، توسعه یافته و از اصل سلطه به اصل اقتناع تمایل یابد. رویکرد جدید امنیتی بدیل تأثیر پذیری از ماهیت نرم سرمایه اجتماعی در نهایت به مفهوم پاسخ‌گویی می‌رسد که متناسب با رکن خواسته‌های شهروندی در فهم امنیت ملی است. تأکید بر پاسخ‌گویی از آن روست که نتیجه آن اقتناع تا تسلیم است. تسلیم مفهوم برآمده از تحمیل برای نیل به موقعیت تسلط معنا و مفهوم می‌یابد. اما در گفتمان ایجابی، در نتیجه پاسخ‌گویی به خواسته‌های شهروندی، نوعی رضایتمندی در شهروندان به وجود می‌آید که ایشان را اقتناع نموده و در نتیجه سیاست پذیرش را پیشه می‌سازند. (ردادی، ۱۳۸۹: ۳۲۵)

سرمایه اجتماعی که بر یک شبکه اجتماعی فشرده دلالت دارد موجب حفظ نظام می‌شود. ضعف و انهدام و سقوط سرمایه اجتماعی، خود به خود هزینه اجتماعی زندگی را برای مردم و دولت افزایش داده و به طور غیر مستقیم زمینه افزایش یا کاهش رضایت شهروندان از دولت را فراهم می‌آورد. سرمایه اجتماعی با ترویج اعتماد و همبستگی متقابل شهروندان، ارزش‌های مشارکت مردمی را پرورش داده و زمینه‌های بهره‌وری بیشتر سازمان‌ها را فراهم می‌آورد. در صورت فقدان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هزینه‌ها و فشارها افزایش یافته، گروه‌ها و حتی حاکمیت را به امنیتی دیدن رفتارها سوق می‌دهد. یکی از دلایل آسیب‌پذیری داخلی کشورهای جهان سوم، سطح اندک سرمایه اجتماعی است. اندک بودن قواعد رفتاری اعتماد آفرین موجب تشدید رقابت بین حکمرانان و مردم می‌شود. (آذری، ۱۳۸۸: ۷)

۴-۲. سرمایه اجتماعی به مثابه منبع تولید قدرت نرم

امروزه دیگر صرف برخورداری یک کشور از منابع و مواهب طبیعی «سرمایه» محسوب نمی‌گردد، بلکه مجموعه‌ای از سرمایه‌ها، از جمله بهره‌مندی از «سرمایه اجتماعی» منجر به تولید و افزایش قدرت ملی کشورها خواهد گردید. از شاخصه‌های سنجش قدرت نرم، میزان برخورداری ساکنین سرزمین از اعتماد و سایر مؤلفه‌های مطرح در حوزه سرمایه‌ی اجتماعی است. هیچ‌ملتی بدون برخورداری از قدرت نرم و ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی قادر به حرکت در مسیر تعالی و کسب اعتبار معنوی در جامعه‌ی جهانی نخواهد بود. این اعتماد در دو سطح مردم-مردم و حاکمیت-مردم قابل تجلی و بازتاب است. و سرمایه اجتماعی معطوف به کشف و استخراج این شاخصه‌ها در جوامع

می‌باشد. (قدسی، ۱۳۸۹: ۱۳۳) قدرت نرم با تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیانهای ارزشی و ارکان کشور را تقویت کرده و در راستای وضعیت مطلوب خویش قرار می‌دهد. این گونه تغییرات، از زیر ساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، به ویژه حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود. بر پایه این تعریف سرمایه اجتماعی که موضوعی فرهنگ مدار، و کلید واژه‌های ادبیات آن بر اعتماد، آرمان و ارزش‌های اخلاقی استوار است، از جایگاهی قابل توجه در قدرت نرم بر خوردار می‌باشد. قدرت نرم یعنی توانایی تعیین اولویت‌ها، به گونه‌ای که با دارایی‌های نامرئی مانند جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزشها همسو بوده و اعتبار معنوی را پدید آورد. برای مثال، اگر یک رهبر، ارزش‌هایی را ارائه کند که دیگران، خود مایل به پیروی از آن باشند، اداره کردن آن جامعه هزینه‌ی کمتری خواهد داشت. این اعتبار معنی باعث خواهد شد انسانها با اراده و علاقه‌ی خودشان کاری انجام دهند که اعمال کنندگان قدرت نرم آن را می‌خواهند.

با این وصف، سرمایه اجتماعی از جمله منابع قدرت نرم و از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی از آن حیث که به روان‌سازی فرآیند تولید قدرت از سوی منابع سنتی کمک می‌کند، در خور توجه است. مطابق یافته‌های تاجفل، برخی از گروه‌های اجتماعی به جهت آنکه بتوانند از منابع پیشین خود به نحو احسن بهره برداری نمایند به سرمایه اجتماعی متوجه شده‌اند. برای مثال بسیج نیروی انسانی پیوسته یک منبع مهم تولید قدرت بود که در اشکال مختلف دنبال می‌شده است. اما تحول شرایط اجتماعی کاربرد روش‌های مذکور را ناممکن و یا بسیار دشوار ساخته است. لذا بسیج‌گری نیازمند بهره‌مندی از روش‌های تازه‌ای است که «تأکید بر سرمایه اجتماعی» هم امکان استفاده از منابع را توسعه می‌دهند، هم هزینه‌های کارگزار را کاهش می‌دهند. و به این وسیله از دو ناحیه به بازیگر کمک می‌کند. تأکید تاجفل بر اینکه گروه‌ها و جوامع موفق و کارآمد، آن‌هایی بوده‌اند که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند، از همین ناحیه قابل درک و تفسیر است. (تاجفل به نقل از افتخاری، ۱۳۸۷ الف: ۳۲۳)

۵. بُعد ایجابی تحلیل سرمایه اجتماعی

نظریه پردازان معتقدند که اعضای که در یک سازمان مشارکت و همکاری می‌کنند، از رفتارهای مدنی برخوردارند که رفتارهای همگون به شمار می‌آیند، بر این مبنا فضای فعالیت‌های داوطلبانه در یک جامعه که از نشانه‌های اصلی رشد سرمایه اجتماعی در آن

جامعه است، خود تابعی از فراگیر شدن هنجارهای مشارکت جویانه در جامعه است. بر این اساس مؤلفه‌های امنیت‌ساز سرمایه اجتماعی با تأکید بر مفهوم راهبردی سرمایه اجتماعی عبارتند از:

۵-۱. افزایش حضور و مشارکت انتخاباتی

نهاد انتخابات، مهم‌ترین رکن ساختارهای مردم‌سالار به شمار می‌آید. گرچه این نهاد به تنهایی شرط لازم برقراری مردم‌سالاری نیست، اما در هر حال بدون آن، حداقل شرایط اولیه برای استقرار مردم‌سالاری تأمین نمی‌شود. انتخابات به عنوان شاخص مهم سنجش میزان مشارکت سیاسی، یعنی مهم‌ترین معیار ارزیابی جایگاه و نقش آفرینی مردم در نظام‌های سیاسی امروز، در برگیرنده ی چرخش مسالمت‌آمیز قدرت، گسترش نظارت مردم، مشارکت لایه‌های مختلف اجتماعی و رشد نهادهای جامعه مدنی است، و به عنوان عاملی در جهت تقویت اعتدال و مدارای سیاسی و کاهش خشونت می‌باشد. این فرآیند در اصل این فرصت را برای شهروندان مهیا می‌کند که در تعیین رهبران و سیاست‌های نظام تأثیر بگذارند. انتخابات در کنار دیگر ساز و کارهای مشارکت مردم به صورت انفرادی، جمعی، گروهی و صنفی، مهم‌ترین و بارزترین و قابل‌اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است. انتخابات، از یکسو، پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. (عیوضی، ۱۳۸۵: ۳۳)

۵-۲. تقویت شبکه ارتباطات سیاسی

در دوره معاصر، ارتباطات، فعالیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. با پیچیده‌تر شدن و گسترش جوامع اهمیت ارتباطات در بعد سیاسی نیز فزون‌تر می‌گردد. در ارتباط سیاسی آنچه اهمیت دارد، تأثیر بر نگرش و رفتار است. ارتباط‌گر سیاسی سعی می‌کند با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف ارتباطی و کاربرد قوانین و تکنیک‌های لازم بر مخاطب تأثیر گذارد. از نظر ارسطو ارتباط یعنی جستجوی کلیه امکانات برای اقناع. و این عبارت امروزه هم محور اصلی ارتباط سیاسی را شکل می‌دهد. با بهره‌گیری از تعاریف و دیدگاه‌هایی که پژوهشگران در خصوص ارتباط سیاسی ارائه داده‌اند می‌توانیم بگوییم ارتباط سیاسی یعنی ارتباط هدفمند درباره سیاست که شامل موارد زیر است: (ساعی، ۱۳۸۹: ۲)

الف- همه شکل‌های ارتباطی که برای کسب هدف‌های معین زیر نظر سیاستمداران و

دیگر بازیگران و عاملان سیاسی قرار دارد.

ب- همه شکل‌های ارتباطی درباره بازیگران سیاسی و فعالیت‌های آنان مثل گزارش‌های خبری، سرمقاله‌ها و همه شکل‌های مباحثه رسانه‌ای که سیاست را در بر می‌گیرد.
ج- همه شکل‌های ارتباطی که افراد غیر سیاسی مانند رأی دهندگان و نویسندگان روزنامه‌ها برای بازیگران سیاسی ارسال می‌کنند.

ارتباطات سیاسی به معنای انتقال اطلاعات سیاسی از بخش‌های سیاسی به بخش‌های اجتماعی است و بر تعامل متقابل رسانه‌ها و سیاستمداران تأکید دارد (ساعی، ۱۳۸۹: ۴).
ارتباطات در یک مفهوم ساده یعنی انتقال اندیشه و پیام از یک منبع به گیرنده پیام. انتخابات هم بخشی از نظام ارتباطات است. در واقع پیامی از منبعی به گیرنده‌ای می‌رسد، هر چند این پیام به صورت نمادین باشد. یعنی تعداد آراء میزان مشارکت و نوع گرایش شهروندان را نشان می‌دهد. در دوران مبارزات انتخاباتی حداقل هفت نوع ارتباط را می‌توان دسته بندی کرد: ارتباطات درون فردی، میان فردی، گروهی، سازمانی، قومی و فرهنگی، عمومی و رسانه‌ای (افخمی، ۱۳۷۸: ۱۰۳) بلومر، در بیان نقش تئوری در تحقیقات مربوط به بهره مندی و خشنودی از رسانه‌ها می‌گوید: «هر انتخاباتی رویدادی ویژه غیر قابل تکرار و کاملاً خطی است که در طی آن نامزدهای انتخاباتی و توده مردم بیش از هر زمان دیگری در معرض حجم وسیعی از ارتباطات سیاسی قرار می‌گیرد.» (رهنورد و مهدوی راد، ۱۳۸۹: ۳۰۷)

۳-۵. تأثیرگذاری بر ارزش‌های هنجارهای سیاسی و اجتماعی

یکی از کارکردهای قابل توجه انتخابات تولید، بازتولید یا تضعیف ارزش‌های حاکم بر جامعه است. در هر جامعه‌ای زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هم چنین شرایط و وضعیتی که مردم هر جامعه‌ای در آن به سر می‌برند، شکل دهنده‌ی ارزش‌ها و هنجارهای مختص آن جامعه است. این هنجارها در حکم چارچوب و اصول کلی پذیرفته شده، جهت دهنده و تنظیم کننده‌ی رفتار مردم، به عنوان عنصر اصلی هر جامعه‌ای است. از این رو در هر انتخاباتی کاندیدها، گزینش شعارها، برنامه‌ها و روش‌های تبلیغاتی خود را به گونه‌ای انجام می‌دهند که مطابق با هنجارهای جامعه باشد، تا بتوانند به مقبولیت مردمی دست یابند.

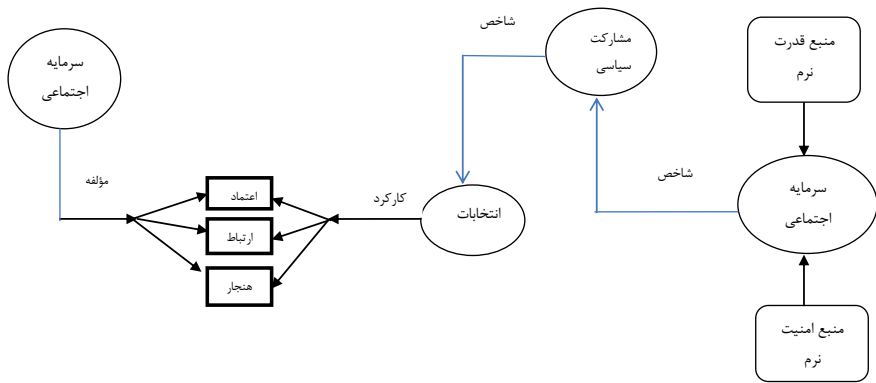
فعالیت انتخاباتی کاندیدها بیشتر تقویت کننده محتویات ذهنی مردم است. بسیار مشکل است کاندیدها بتوانند کاری کنند که، مردم را به تصمیم‌گیری و عمل کردن در جهت خلاف مسلمات ذهنی وادار نمایند. هنگامی کاندیدها می‌توانند اثر مورد انتظار را بر

مخاطبان و افراد جامعه داشته باشند که پیام‌های ارسالی آن‌ها، با زمینه‌های ذهنی مردم، هماهنگی داشته، یا حداقل مخالف آن نباشد. از این رو به دلیل همخوانی فعالیت‌های انتخاباتی کاندیدها با هنجارهای مورد پذیرش جامعه، می‌توان یکی از کارکردهای انتخابات را بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دانست.

۴-۵. تأثیرگذاری بر میزان اعتماد سیاسی در جامعه

اعتماد از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه ساز همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد افراد را به تعامل و همکاری با گروهها افزایش می‌دهد و شبکه‌ای از روابط داوطلبانه بین گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد. در واقع، اعتماد پیش شرط و تسهیل کننده مشارکت و انجام همکاری موفقیت آمیز است. یکی از انواع اعتماد، اعتماد سیاسی است که به رابطه مردم و دولت می‌پردازد. مردم برای رفع نیازهای خود به خصوص برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با حاکمیت دارند. (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۹) از طرفی دولت‌ها نیز به ارتباط با مردم نیاز دارند. بیشتر دولت‌های امروزی منتخبات مردم هستند و دوام و بقای آن‌ها وابسته به حمایت و خواست مردم است که این امر بدون وجود اعتماد امکان پذیر نیست.

افزایش اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و مشارکت سیاسی مردم می‌شود. در عوض، کاهش آن موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات، عدم حمایت از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، فرار از پرداخت مالیات، سرایت بی اعتمادی به نهادها و سازمانهای دولتی و در موارد خیلی حاد، موجب بحران مشروعیت می‌شود؛ به همین دلیل، اعتماد سیاسی همیشه یکی از کانونهای تجربه مسئولان بوده و به روش‌های مختلف سعی در افزایش آن داشته‌اند. بی اعتمادی سیاسی در سطوح مختلف موجب توجه بیشتر به مسائل شخصی و جناحی و کاهش روحیه ی ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی به خاطر منافع جامعه می‌گردد. در صورت کاهش اعتماد سیاسی، احساس وفاداری شهروندان به رژیم کمتر و در اجرای سیاست‌های متخذه ی دولت، همکاری و تمکین کمتری از سوی آن‌ها مشاهده می‌شود. (یحیای، ۱۳۷۷) در این خصوص نگاه کنید به نمودار زیر:



نمودار شماره (۱): شبکه ارتباطی امنیت، قدرت، سرمایه اجتماعی

۶. بُعد سلبی تحلیل سرمایه اجتماعی

هر بازیگر در میانه دو وضعیت قرار دارد که عبارتند از وضع موجود و وضع مطلوب. فاصله میان این دو وضعیت، «فضای امنیتی» است و تهدیدات نیز در همین فضا امکان رشد و تکمیل می‌یابند. تهدیدات متصور در قالب این رویکرد عبارتند از:

اول؛ افزایش نارضایتی نسبت به وضعیت موجود
دوم؛ تعریف افراطی از وضعیت مطلوب به گونه‌ای که به وضعیت ایده‌آل و غیرقابل تحصیل، نزدیک یا تبدیل شود.

سوم؛ شکل‌گیری مقاومت اجتماعی نسبت به فرآیندهای انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۲)

عوامل بسیاری در شکل‌گیری نارضایتی دخیل هستند. اما در اینجا متناسب با اهداف این مقاله به دو مورد اصلی اشاره می‌گردد.

۶-۱. نارضایتی ناشی از کاهش مشارکت سیاسی

مفهوم بحران مشارکت، بر نابرابری مناسبات توده‌ها و نخبگان و آسیب‌پذیری زیاد نخبگان استوار است. ویسند بحران مشارکت را این‌گونه تعریف می‌کند: «کشمکشی است که نخبگان فرمانروا در خواست یا رفتار افراد یا گروه‌ها را در امر مشارکت سیاسی نامشروع قلمداد می‌نمایند.» بر این اساس ریشه بحران مشارکت مربوط است به تضاد دیدگاه‌ها و منافع مشارکت‌کنندگان در امور سیاسی از یک سو، و نخبگان حاکم از سوی

دیگر، چرا که مشارکت کنندگان علاقه مند به دخالت هر چه بیشتر در اداره سرنوشت و تدبیر امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خویش اند، در حالی که نخبگان حاکم در مقابل این خواست رو به تزاید مقاومت نشان می دهند و از آنجا که نخبگان حاکم اولاً به علت عدم امکان تأمین اهداف عمومی و توزیع بهینه و عادلانه داده ها. ثانیاً به دلیل وابستگی شدید خود به ایدئولوژی سنتی اشان، در برابر خواسته های برابری خواهانه عمومی آسیب پذیرند و از طرفی هنوز مشارکت خواهان در نظم مدنی جدید با قواعد مستقر جا نیفتاده و اجتماعی نشده اند. لذا، در چنین شرایطی شورش و نارضایتی بر ارکان جامعه سایه می اندازد. (یحیایی، ۱۳۷۷) هر چه میزان شرکت در انتخابات بیشتر باشد، نشان از رضایتمندی بالای مردم نسبت به حکومت دارد. هر عامل یا حرکتی که میزان مشارکت مردم را پایین بیاورد، می تواند به عنوان یک تهدید ظاهر شود که مشروعیت سیاسی یک نظام را نشانه بگیرد.

۶-۲. نارضایتی ناشی از تکوین و شیوع نابهنجاری ها

اگر در شبکه وسیع اجتماعی، هنجارها رعایت نشوند، زندگی اجتماعی و روابط اجتماعی مختل و جامعه عملاً فلج می شود. در آن صورت، روابط اجتماعی که هدفش بهتر ارضا شدن نیاز است، به طور معکوس تأثیر می گذارد و هر جا که انسان وارد شبکه روابط اجتماعی می شود، باید انتظار داشته باشد که این روابط در واقع مانع دستیابی او به اهدافش می شود و این در واقع فرد را قانع می کند که دنبال روابط دیگری هر چند غیر مشروع و نابهنجار برای ارضاء نیازهای خود برود و اینجاست که عدم رعایت هنجارها یا تضعیف آن ها با باز شدن عمل نابهنجار و یا مجرمانه همراه می شود. (رفیع پور، ۱۳۷۵: ۱۸۵-۱۸۱)

در دیدگاه نوسازی و توسعه به دلیل بالا رفتن سطح مشارکت سیاسی شهروندان، که نتیجه مستقیم توسعه و نوسازی است، ثبات هر جامعه سیاسی به رابطه سطح مشارکت سیاسی یا سطح نهادمندی سیاسی آن بستگی دارد. در صورتی ثبات سیاسی در جامعه حفظ می شود که به موازات افزایش مشارکت سیاسی، پیچیدگی، استقلال تطبیق و انسجام نهادهای سیاسی جامعه نیز فزونی گیرد. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۱۹) در اصل، ثبات سیاسی ناظر به وجود توازن بین خواسته های مردمی از یک طرف و کارویژه های دولتی از طرف دیگر می باشد. به تعبیر دیگر، در درون هر جامعه ای چنانچه نظام سیاسی حاکم بتواند به خواسته ای متنوع مردم پاسخ در خور و قانع کننده ای بدهد و نظام مزبور مطابق با باور عقاید و در یک کلام ایدئولوژی مورد قبول جامعه باشد و از جانب آن تأیید گردد، آن

نظام از ثبات برخوردار خواهد بود. چنانچه کارآمدی دولت به هر دلایلی کاهش یابد، زمینه بروز نارضایتی فراهم می‌آید که در صورت گسترش و تعمیق آن ممکن است به زوال مشروعیت سیاسی نظام و در نهایت بروز رفتارهای اعتراض آمیز، که تجلی بیرونی بی‌ثباتی سیاسی هستند، منجر گردد. (افتخاری، ۱۳۸۱: ۶۶-۶۷) پس به طور کلی هر دولتی که مایحتاج شهروندان را در حد نسبی پاسخ دهد، اعتماد آن‌ها را جلب کرده و توانسته در موقع ضروری از پشتیبانی آن‌ها برخوردار باشد، در واقع در این صورت، دولت حمایت مردم را به صورت یک سرمایه اجتماعی عظیم در پشت سر خود خواهد داشت و در مواقع ضروری از آن بهره‌گیری خواهد نمود. در غیر این صورت با بی‌ثباتی سیاسی مواجه خواهد شد.

۶۷

دوفصلنامه مطالعات
قدرت نرم

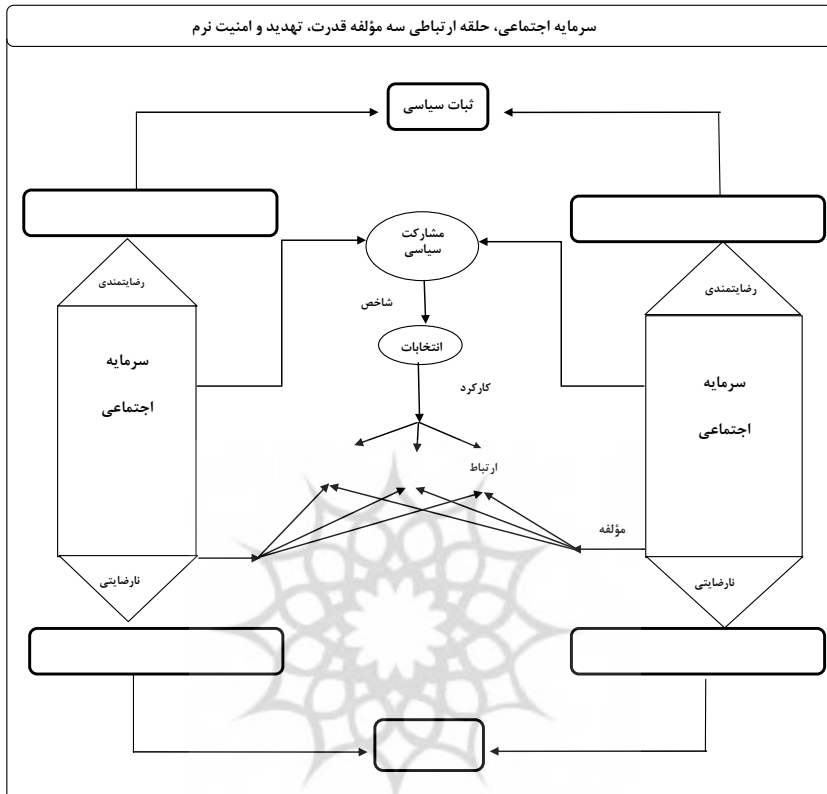
سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم
فرزاد جهان‌بین و همکار



نتیجه گیری

با توجه به تحلیل ارایه شده، می توان چنین نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی، با تولید تولید قدرت نرم و امنیت نرم نقش بسزایی در نهادینه سازی رضایتمندی و تقویت ثبات سیاسی در جامعه دارند. بدین گونه که، سرمایه اجتماعی می تواند بر افزایش یا کاهش انتظارات ارزش بازیگران یا تلقی شهروندان از توانایی های ارزش دولتمردان مؤثر باشد. به گونه ای که چه بسا توانمندی های ارزش اندک باشد، اما از ناحیه اعتماد مردم، کارآمدی آن ها افزایش یابد یا مردم با اعتماد به وعده های دولتمردان، به نفع ثبات اجتماعی، تأمین خواسته های خود را به آینده واگذارند. در هر صورت، سرمایه اجتماعی می تواند، در حفظ تعادل بین دو گونه از انتظارات- با وجود فرایندهای بر هم زنده تعادل- مؤثر افتد و در نهایت ثبات را حفظ و حتی تقویت کند. همچنین مشارکت سیاسی به عنوان شاخص مهم وجود و سنجش سرمایه اجتماعی، نشان از وجود ضعف و قوت قدرت و امنیت نرم در جامعه است. انتخابات به عنوان شاخص سنجش میزان مشارکت سیاسی، با داشتن کارکردهایی همچون تأثیر بر اعتماد یا بی اعتمادی افراد جامعه، افزایش ارتباطات سیاسی میان انسانها و تأثیر بر تقویت یا تضعیف هنجارها، مؤلفه های تشکیل دهنده ی سرمایه اجتماعی را دستخوش تغییر قرار می دهند. این سخن به معنای افزایش قدرت و امنیت نرم جامعه و یا افزایش تهدید نرم جامعه است. نارضایتی که بنابر قرائتی (در مکتب انتقادی) تهدید نرم محسوب می شود، محصول ناکارآمدی یا کژکارکردی سرمایه اجتماعی و مؤلفه های تشکیل دهنده ی آن است که جامعه را به سمت بی ثباتی سیاسی رهنمون می شود. مطلب بیان شده بدین شکل نمایش داده می شود.

نمودار شماره (۲): ابعاد سلبی و ایجابی سرمایه اجتماعی در بحث از قدرت و امنیت نرم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «فرهنگ امنیت جهانی»، **امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها**. آ.دی. مک کین ای، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، «رسانه‌ها و ثبات سیاسی»، **مجموعه مقالات همایش رسانه‌ها و ثبات سیاسی**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، **کالبد شکافی تهدید**. تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷ الف)، «بازخوانی امنیتی سرمایه اجتماعی»، **مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی** (مطالعه موردی بسیج)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷ ب)، «مدیریت رسانه‌های بحران»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**. شماره ۵۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، **تهدید نرم، رویکردی اسلامی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- افخمی، حسین (۱۳۷۸)، «انتخابات، ارتباطات و روابط عمومی»، **فصلنامه رسانه**. شماره ۳.
- آذری، مصطفی (۱۳۸۸)، «انتخابات و آثار آن بر سرمایه اجتماعی»، **روزنامه ایران**. ۸ تیر ماه.
- پوتنام، رابرت (۱۳۸۰)، **دموکراسی و سنتهای مدنی** (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- پور احمدی، حسین (۱۳۸۷)، «قدرت و امنیت نرم در نظام جهانی؛ با تأکید بر نقش و جایگاه بسیج»، **قدرت نرم، فرهنگ و امنیت**. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵)، **اعتماد، دموکراسی، توسعه**. تهران: نشر شیرازه.

- حیدری، لیلی (۱۳۸۹)، بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و امنیت ملی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی.

- ذوالفقاری، حسین و حسین عسازیان نژاد (۱۳۸۹)، «رویکرد امنیت داخلی در مقابله با تهدید نرم»، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**. شماره ۳۹.

- ردادی، محسن (۱۳۸۹)، **منابع قدرت نرم سرمایه اجتماعی در اسلام**. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵)، **آنانومی جامعه یا سنته الله: مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی**. تهران: انتشارات کار.

- رگن زیر، ایرنه (۱۳۶۹)، **کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم**. ترجمه: احمد تدین، تهران: نشر سفیر.

- رهنورد، فرج الله و نعمت الله مهدوی راد (۱۳۸۹)، **مدیریت انتخابات**. تهران: انتشارات اطلاعات.

- ساعی، منصور (۱۳۸۹)، جزوه درسی ارتباطات سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰)، **الگوهای بی ثباتی سیاسی**. ترجمه: ناشر، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- سلوکانه، شهنام (۱۳۸۱)، مفهوم امنیت ملی بعد از جنگ سرد با تکیه بر کشورهای جنوب ۱۹۹۱-۲۰۰۰. پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

- شریفی، حسن (۱۳۹۲)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت ملی (مقایسه ایران و ترکیه). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

- عبدالهاخانی علی (۱۳۸۵)، **پژوهشی در باره امنیت نرم**. تهران: موسسه بین المللی ابرار معاصر تهران.

- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۵)، **مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- عیوضی، محمد رحیم و اعظم امامی (۱۳۹۰)، «فرآیند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه امام خمینی»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**. پیش شماره سوم.

- غریباق زندی، داوود (۱۳۸۸) «چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم؛ با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**. شماره ۳.

- فاین، بن (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی**، ترجمه: سید محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فیلد، جان (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه: جلال متقی، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قاسمی، صفت الله (۱۳۹۱)، طراحی الگویی بومی برای سنجش امنیت نرم. پایان نامه دکتری. دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قدسی، امیر (۱۳۸۹)، «جایگاه سرمایه ی اجتماعی در بازتولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، شماره ۳۰.
- کاووسی، اسماعیل و عباس طلوعی اشلقی (۱۳۸۶) «ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی»، **پژوهشنامه سرمایه اجتماعی**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- کلاهیجان، محمود (۱۳۸۷)، طراحی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تأمین امنیت ملی ج. ا. ا. پایان نامه دکتری داعا..
- کوخایی، آزاد (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و امنیت سیاسی و اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم سیاسی.
- کیوان حسینی، اصغر (۱۳۸۱)، **نرم افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا و امنیت در جهان سوم**، پایان نامه دکتری دانشگاه تهران.
- گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی (۱۳۸۸)، **تهدید نرم و راهبردهای مقابله**، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) **جامعه شناسی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸)، افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: راهکاری برای مقابله با تهدیدات نرم آمریکا». در **مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم؛ از نظریه تا عمل**، به کوشش حجت الله مرادی، تهران: نشر ساقی.
- **مجموعه مقالات امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران**، (۱۳۸۹)، تهران: معاونت پژوهش دانشکده امام هادی (علیه السلام).
- نای، ژوزف (۱۳۸۷) **قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل**، ترجمه: سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- نصری، قدیر (۱۳۸۰) **نفت و امنیت ملی ج. ا. ا.** تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۴)، «جامعه شناسی امنیت ملی با مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»،

فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۲.

- الوانی، مهدی و علی سید نقوی (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی؛ مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت. شماره ۳۳ و ۳۴.

- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

- یحیایی، فرید (۱۳۷۷) «عوامل بی ثباتی اجتماعی سیاسی در جوامع در حال گذار»، *روزنامه خرداد*. ۱۸ اسفند.

- یزدان فام، محمود (۱۳۸۸)، «امنیت نرم و چرایی اهمیت آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۳.

- یزدانی، عنایت اله و احسان شیخون (۱۳۹۱)، «قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با تأکید بر پدیده فرهنگ»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم. شماره ۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی